

تناقض امید

امیل دورکیم؛ «خودکشی نه تنها عمل فردی، بلکه نشانه‌ای از بیماری دریافت اجتماعی است.»

روزنامه سام

سال بیست‌ویکم | شماره پیاپی ۳۲۸۱ | یکشنبه ۲ آذر ماه ۱۴۰۴ | قیمت ۵ هزار تومان

www.payamemal.ir

مرکز پژوهش‌های مجلس مطرح کرد

ابهامات قانونی مانع بزرگ استرداد اموال تاریخی



۴

مسئولیت اجتماعی در تنگنای قانونگذاری

واکنش گسترده کارشناسان اقتصادی به طرح «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»

۵

یادداشت

ناترازی بنزین واقعیت‌های پنهان و دیوار کوتاه مردم



ارامیز قلی‌نژاد
اکارشناس رسانه
وابتباطات

آیا باید آتش سوزی الیت ودلیرا به حال خود رها کرد؟



اعلی ریجبران
روزنامه‌نگار و حفاظت‌نگار

۸

حفاظت



تحلیل یک استاد دانشگاه از دلیل تداوم آتش سوزی جنگل‌های هیرکانی در گفت‌وگو با «پیام ما»

ضعف مدیریت «الیت» را شعله‌ور کرد

معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری از آخرین وضعیت آتش سوزی در جنگل‌های چالوس می‌گوید

نیروی انسانی تنها راه مهار آتش هیرکانی

۳ و ۲

محراب فرساد - ایسنا

ناترازی بنزین، واقعیت‌های پنهان و دیوار کوتاه مردم

نگاهی به استراتژی قیمتی دولت برای بنزین

معنی دو برابر ناترازی فعلی کشور این کاهش ناشی از رفتار مردم نیست؛ بل که ناشی از فن‌آوری و استانداردهای تولید خودرو است. بنابراین وقتی که مردم به عنوان مصرف‌کننده‌گان، عامل افزایش مصرف نیستند، راه‌حل واقعی؛ استراتژی قیمتی نیست که بی‌کارکرد شده‌است، بل که اصلاح ساختاری است. اگر دولت واقعاً به دنبال حل ناترازی بنزین است، راه‌حل در افزایش قیمت نیست؛ دست‌کم این تنها راه‌حل نیست، بل که در تدوین یک بسته سیاستی جامع و راه‌بردی است که هم‌زمان شامل: الزام خودروسازان به فن‌آوری جهانی و اصلاح فوری استاندارد مصرف خودروها، امکان بهره‌مندی مردم از خودروهای استاندارد، باکیفیت و ارزان خارجی، توسعه گسترده حمل‌ونقل عمومی برای کاهش تردها، دیجیتالی‌سازی خدمات، دولت الکترونیک و کاهش سفرهای تردهای غیرضروری، مقابله واقعی با قاچاق سازمان‌یافته سوخت و سامان‌دهی قیمت بدون شوک و بدون تنش اجتماعی است. با اجرای چنین بسته‌ای، ایران نه تنها از ناترازی عبور می‌کند، بل که حتی ظرفیت صادرات بنزین نیز خواهد داشت. طبق برآوردهای اقتصادی، کاهش مصرف در همین حد، به معنی ۳۰ میلیون دلار صرفه‌جویی روزانه و ۱۰ میلیارد دلار سالانه برای اقتصاد ایران است که در شرایط کنونی واقعاً رقمی قابل توجه است. لذا در یک جمع‌بندی مختصر می‌توان گفت که قیمت بنزین در ایران پایین است؛ اما افزایش قیمت به‌تنهایی پاسخگوی ناترازی نیست. بنزین فعلاً کالایی کم‌کشش است و استراتژی قیمتی، بدون اصلاح ساختار خودرو، بی‌اثر و پرخاطر خواهد بود. مسئولیت این بحران، پیش از هر چیز بر عهده کیفیت خودرو، قاچاق ساختاری و سیاست‌گذاری نادرست است؛ نه مردم. اگر دولت در این مسیر حرکت کند، ناترازی بنزین نه تنها حل‌شدنی است، بل که به فرصتی برای تولید، ارزآوری و اعتمادسازی اجتماعی نیز بدل خواهد شد.



مصرف بالای ایرانیان به دلیل ارزانی بنزین است. وقتی برخی مسئولان از «مصرف دوبرابری ایرانی‌ها نسبت به میانگین جهانی» سخن می‌گویند، ناخواسته این تصور ایجاد می‌شود که مردم در خانه‌ها به جای نوشیدنی، بنزین در لیوان‌شان می‌ریزند! هیچ‌کدام از این مسئولان اشاره نمی‌کنند که بخش عمده این مصرف بالا، ناشی از خودروهایی است که همین ساختار قدرت و مدیریت تولید کرده؛ خودروهایی با چند برابر قیمت و با مصرف و آلاینده‌گی چند برابر استاندارد جهانی! مقایسه‌های بین‌المللی نیز واقعیت پیچیده‌تری را نشان می‌دهد که متأسفانه یا خوش‌بختانه ادعاهای ساده‌سازی‌شده مسئولان را رد می‌کند: بسیاری از کشورهای با «مصرف پایین» اساساً کمتر خودرو دارند (به دلیل توسعه‌نیافته‌گی) از سوی دیگر در این مقایسه‌ها به کشورهای منطقه مانند عربستان و امارات اشاره نمی‌کنند که سرانه مصرفی بسیار بالاتر از ایران دارند. حدود دو برابر) یا کشورهای توسعه‌یافته مانند آمریکا و کانادا که دو تا سه برابر ایران، سرانه مصرف بنزین دارند؛ در این مقایسه‌ها نادیده گرفته می‌شوند. (آن هم با خودروهای استاندارد نه با مصرف‌پراید و سمند و...) بنابراین «دوبرابر بودن مصرف ایرانی‌ها» نسبت به میانگین جهانی اگرچه درست است، اما ارتباط مستقیمی با رفتار مردم ندارد؛ بل که نتیجه فن‌آوری فرسوده و پرمصرف خودروسازان داخلی است. مسئله قاچاق هم که اخیراً فرمانده پلیس ایران با تهاجم‌های عارفین آن را به خیک استراتژی قیمتی بست و استراتژی نظارتی و کنترلی خود را نادیده انگاشت، اساساً ربطی به مردم ندارد و طبق اظهارات او و اعتراف «عصر ایرانیان»، روزنامه تندرو و منسوب به سعید جلیلی، قاچاق در ایران سازمان‌یافته است. (طبق اظهارات رادان، فرد یا گروهی پس از یک‌سال عملیات، بازداشت و به ۱۱ هزار میلیارد تومان جریمه محکوم می‌شود و به نوشته روزنامه جوان، ارگان سپاه پاسداران «تنها در دو ساعت، جیربگی» پرداخت می‌کند!) در این میان اما اشاره مهم پزشک‌های حائز اهمیت است؛ جایی که بالاخره یک مقام رسمی به‌جای روال همیشگی بالا رفتن از دیوار کوتاه مردم، به یکی از عوامل اصلی ماجرای ناترازی بنزین اشاره می‌کند. جمله اخیر رئیس‌جمهوری در شبکه اجتماعی ایکس، از معدود دفعاتی است که یک مقام رسمی به‌جای حمله به مردم، انگشت اتهام را به درستی متوجه خودروسازان کرده است: «در جلسه هیئت دولت به خودروسازان اخطار دادم: اگر در یک بازه زمانی معقول موتور خودروها اصلاح نشود و مصرف سوخت به سطح قابل‌قبول نرسد، مجبور خواهیم بود در سیاست تخصیص ارز و صدور مجوز تولید بازنگری کنیم. در صورت نیاز، فناوری روز دنیا را خریداری کنید؛ دولت از این مسیر حمایت خواهد کرد.» (dolat.ir) این حرف، تا حدودی واقع‌بینانه ریشه مسئله را نشان داده است. چرا که در شرایط خاص ایران، اساساً مصرف‌کننده توان کاهش مصرف را ندارد؛ چون خودروهای موجود در کشور کم‌مصرف نیستند. اکنون در جهان، خودروسازان بر سر کاهش مصرف سوخت رقابت می‌کنند؛ در حالی که در ایران، خودرویی با مصرف ۱۰ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر، «کم‌مصرف» تلقی می‌شود!

اگر خودروهای داخلی مطابق استاندارد جهانی با مصرف حدود ۷ لیتر تولید شوند، مصرف بنزین کشور بین ۲۰ تا ۴۰ میلیون لیتر در روز کاهش می‌یابد؛



ارامیز قلی‌نژاد
اکارشناس رسانه
وابتباطات

مسئله ناترازی بنزین و قیمت ناچیز آن، بار دیگر به نقطه حساس و اصطلاحاً بزنگاه رسیده است؛ نقطه‌ای که هرگونه تصمیم‌گیری عجولانه درباره افزایش قیمت بنزین، می‌تواند پی‌آمدهای اجتماعی جدی و خطرناکی داشته باشد؛ شبیه تجربه تلخ آبان ۱۳۹۸ که هنوز داغش تازه است! در همین فضا، بسیاری از مقامات بارب و بی‌ربط دولتی و مجلسی، اظهارات متعدد و گاه متناقض داشته‌اند. اخیراً نیز معاون اجرایی رئیس‌جمهوری اعلام کرده است: «مردم آماده باشند؛ زمان افزایش قیمت حامل‌های انرژی رسیده و تصمیم‌گیری برای اصلاح قیمت بنزین ناگزیر است؛ چه دولت فعلی باشد چه دولت دیگر» (خبرآنلاین) به گفته او، دولت برق و گاز را «بسیار پایین‌تر از قیمت تمام‌شده» عرضه می‌کند و این «مصرف بی‌رویه» را تشدید کرده است. این گزاره درباره برق شاید درست باشد، اما درباره بنزین به‌هیچ‌وجه صادق نیست. اغلب کارشناسان بر این باورند که بنزین در ایران به کالایی کم‌کشش تبدیل شده است؛ یعنی افزایش قیمت، برخلاف تصور رایج، تأثیر چشم‌گیری بر کاهش مصرف ندارد. آن‌چه بر افزایش مصرف بنزین در ایران اثر می‌گذارد، بیش از آن‌که ناشی از رفتار مردم باشد، قاچاق سوخت، کیفیت فاجعه‌بار و میزان مصرف خودروهای داخلی است؛ مسائلی که ربط چندانی به مردم ندارند و دولت بهتر از هر کسی از آن‌ها آگاه است. مرور تجربه آبان ۱۳۹۸ بهترین شاهد برای این ادعاست. براساس آمار رسمی، میانگین مصرف بنزین در روزهای پیش از افزایش قیمت‌ها حدود ۹۸.۷ میلیون لیتر در روز بود که پس از افزایش قیمت به ۷۶.۶ میلیون لیتر کاهش یافت؛ یعنی حدود ۲۲ میلیون لیتر کاهش. اما میانگین مصرف کل سال ۱۳۹۸ حدود ۷۲ میلیون لیتر بوده است؛ رقمی که خود نشان می‌دهد آمار بسیار بالای اعلامی برای روزهای قبل از آبان، نشان‌دهنده روند واقعی و پایدار مصرف سوخت در ایران نبوده و یا حتی ممکن است دست‌کاری در آمار برای اقناع افکار عمومی و کاستن از شدت اعتراضات اجتماعی بوده باشد. سال ۱۳۹۹ نیز تحت تأثیر محدودیت‌های کووید-۱۹ قرار داشت که امکان تحلیل «رفتار واقعی مصرف در شرایط پایدار» را دشوار می‌کند. با این حال، حتی با عادی‌تر شدن تردها، مصرف کل کشور در سال ۱۳۹۹ همچنان متناسب با میانگین مصرف سال ۱۳۹۸ و حدود ۷۵ میلیون لیتر در روز ثبت شده‌است. این بدان معناست که استراتژی قیمتی نه تنها در بلندمدت بر مصرف بنزین اثر ملموسی نداشته، بل که بخش عمده نوسانات مصرف، ناشی از عوامل بیرونی مانند کرونا بوده‌است نه «گران شدن بنزین». حتی علی‌رغم محدودیت‌های ناشی از کرونا، هم‌چنان شاهد ۵ درصد افزایش نسبت به سال قبل هستیم. بنابراین می‌توان گفت برخلاف تصور برخی از مسئولان و کارشناسان اقتصاد انرژی، استراتژی قیمتی همانند ادوار گذشته احتمالاً در این نوبت نیز موفق نخواهد بود. زیرا مبتنی بر داده‌های نادرست و مبانی غیرمنطقی مانند

حجاب در میدان اختلاف‌نظرها

اپیام ما! درحالی‌که پزشک‌های بر شآن و کرامت زنان فارغ از نوع پوشش تأکید کرد، معاون امور زنان راجع به فعالیت جدید افرادی که در خیابان به دختران تذکر حجاب می‌دهند، ابراز بی‌اطلاعی کرد. آخرین خبرهای منتشرشده از مواضع دولت چهاردهم نشان می‌دهد هنوز هماهنگی میان اعضای آن درباره حجاب وجود ندارد و میان صحبت‌های «مسعود پزشکیان»، رئیس‌جمهوری در سی‌ام آبان‌ماه و صحبت‌های معاون امور زنان و خانواده او در یکم آذر، فاصله است. چند روز پیش پزشک‌های در شورای توسعه استان قزوین گفت پیش از انقلاب در دانشگاه بسیاری از دختران حجاب نداشتند؛ «اما بسیار باشخصیت بودند و شخصیت آنان به‌نوعی بود که هیچ‌کسی حق بی‌احترامی به آنها را نداشت.» او ادامه داد: «در نتیجه زنان و دختران ما باید جلوی آتانی که با رفتارهایشان زنان را زیر سؤال می‌برند، بایستند و اعتراض کنند و جامعه چنین چیزی را قبول نمی‌کند.» این درحالی‌است که روز شنبه، یکم آذر، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری حجاب را یک موضوع «فرهنگی» خواند و راجع به فعالیت جدید افرادی که در خیابان به دختران تذکر حجاب می‌دهند، ابراز بی‌اطلاعی کرد. «زهرابهورزاد» درباره فعالیت جدید افرادی که در خیابان به دختران تذکر حجاب می‌دهند، به جماران گفت: «باور ما به این است که حجاب یک مسئله فرهنگی است که یک‌شبه ایجاد نشده و شاید ریشه چندین ده‌ساله دارد. بنابراین، برای حل آن مسئله باید راهکارهای فرهنگی داشته باشیم.» او تأکید کرد باید با کمک خود خانواده‌ها، جامعه روحانیت و کسانی که مورد قبول مردم هستند، بتوانیم این مسئله را حل کنیم؛ «اصلاً ما در دولت راجع به اینکه بخواهد «تذکر فیزیکی» داده شود، برنامه‌ای نداشته‌ایم و طرحی هم داده نشده است.» او‌اخر هم‌راه خبرهایی درباره بازگشت و ن‌های گشت ارشاد به خیابان‌ها و تذکر حجاب به زنان مطرح شد. «فاطمه مهاجرانی»، سخنگوی دولت در جمع خبرنگاران به شایعه بازگشت و ن‌های گشت ارشاد واکنش نشان داد: «ما مثل هر زمان دیگری به انسجام داخلی نیاز داریم، در این مسیر حتماً مردم همراهی خواهند کرد. موضوعات اساسی که امروز به آن می‌پردازیم، مربوط به حوزه معیشت و زیست مردم است.» چنان‌که ایرنا نوشته، او در ادامه صحبت‌های خود تأکید کرد نکاتی را برخی فعالان فرهنگی مطرح کرده‌اند و از برخی صحنه‌ها که اصطلاحاً به آن «بدن‌نمایی» گفته می‌شود، دلخوری‌هایی داشتند: «این موضوع برای هیچ فردی که در حکومت اسلامی، در دولت اسلامی و در جامعه اسلامی فعالیت می‌کند، پذیرفته نیست؛ ولی یقیناً راهش را از جنس معمول نمی‌دانیم. راهش این نیست که تجربه را دوباره تجربه کنیم، آزمون‌ها را آزمون خطاست.» سخنگوی دولت به خبرنگاران گفت کمک کنید و بگویید ما چه کنیم که به یک جامعه متعادل برسیم؛ «به‌رحال، بخشی از مردم ما هم افراد مذهبی هستند، باید چه کنیم که از هر دو طرف به آزادی‌های فردی احترام بگذاریم.» اما مهاجرانی هم از حضور دوباره این گشت‌ها ابراز بی‌اطلاعی کرد. درحالی‌که معاون امور زنان رئیس‌جمهوری بر ضرورت اتخاذ رویکردی «فرهنگی» در مسئله حجاب تأکید دارد، تناقض در اظهارات مختلف نشان می‌دهد این موضوع همچنان یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات است و هر بار به نقطه مناقشه بازمی‌گردد. بازگشت زرمزه‌های گشت ارشاد و واکنش محتاطانه دولت به آن، پرسش‌هایی جدی درباره سازوکار تصمیم‌گیری ایجاد کرده است؛ از جمله اینکه چه نهادی مسئول تعیین سیاست واحد است و چرا دولت از برخی اقدامات ابراز بی‌اطلاعی می‌کند؟



«اقتصاد فروپاشنده» با «ناامیدی فرابنده» پیوند عمیق دارد

تناقض امید

امیل دورکیم: «خودکشی نه تنها عمل فردی، بلکه نشانه‌ای از بیماری در بافت اجتماعی است.»

در سال‌های اخیر، واژه «امید» در جامعه ایران به یکی از پرکاربردترین و هم‌زمان پرابهام‌ترین مفاهیم بدل شده است؛ مفهومی که گاه همچون چراغی لرزان در دست افروختن و گاه به سوزهای تحلیلی برای جامعه‌شناسان و پژوهشگران اجتماعی تبدیل می‌شود. در زندگی روزمره، مردم از «امید داشتن» سخن می‌گویند، اما هم‌زمان از «امیدواری سخت» و «دشوار ناله می‌کنند».



امیدواری سخت و دشوار ناله می‌کنند

بی‌معنایی گرفتار شده است. داده‌های موجود نیزه این تحلیل را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند افزایش خودکشی در ایران نه پدیده‌ای منفک از ساختار اقتصادی-اجتماعی، بلکه هم‌نوا با فرسایش تدریجی بنیان‌های معیشتی و روانی جامعه است. در یک متاتالیز ملی، نرخ اقدام به خودکشی در سال ۲۰۲۱ معادل ۱۳ نفر در هر صد هزار نفر و نرخ مرگ ناشی از خودکشی ۸.۱۴ نفر در هر صد هزار نفر گزارش شده است؛ رقمی که نسبت به سال‌های پیش روندی صعودی داشته سهم مردان و در آن چشمگیر است. داده‌های مرکز داده‌های باز ایران نیز نشان می‌دهد تعداد خودکشی‌های ثبت‌شده از حدود سه هزار و ۵۰۰ مورد در اوایل دهه ۱۳۹۰ به بیش از پنج هزار مورد در سال‌های اخیر رسیده است؛ افزایشی نزدیک به ۴۰ درصد. اما این تنها روایت یک دهه نیست؛ اگر بازه بلندمدت‌تر ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ را مرور کنیم، تصویر شفاف‌تری از پیوند عمیق «اقتصاد فروپاشنده» و «ناامیدی فرابنده» آشکار می‌شود. طی این دو دهه، نرخ تورم سالانه در بسیاری از سال‌ها دورقمی سنگین و در موارد متعدد بالای ۳۰ و ۴۰ درصد بوده است. قیمت مسکن در شهرهای بزرگ در همین دوره تا ده‌ها برابر افزایش یافته و امکان خانه‌دار شدن را برای بخش وسیعی از جمعیت به رویایی دوردست بدل کرده است. هم‌زمان، رشد اقتصادی ایران چندین سال منفی بوده و درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی واقعی (Real GDP) کاهش معناداری را تجربه کرده است. این افت مستمر نه در سطح کلان، بلکه در زندگی روزمره مردم به‌صورت فرسودگی روانی، خستگی مزمن و احساس فرسودگی آینده تجسد یافته است. مطالعات دانشگاهی و گزارش‌های پژوهشی نیز نشان داده‌اند در ایران، هر دوره جهش شدید تورم، کاهش قدرت خرید، نوسانات ارزی و افت رشد اقتصادی، با افزایش آمار خودکشی هم‌زمان بوده است. به بیان دیگر،

نمودار خودکشی در دو دهه اخیر آهنگی دقیق از منحنی افول فرصت‌ها، تضعیف طبقه متوسط، گسترش فقر و کاهش ظرفیت‌های امید اجتماعی است. در سال‌هایی که GDP کاهش یافته، نرخ بیکاری افزایش یافته و فشار معیشتی خانواده‌ها سنگین‌تر شده، روند خودکشی نیز شبیهی تندتر به خود گرفته است. این هم‌افزایی منفی، همان چیزی است که دورکیم از آن به‌عنوان «اتومی ساختاری» یاد می‌کرد؛ وضعیتی که قواعد اجتماعی سست می‌شوند، آینده قابل برنامه‌ریزی نیست و فرد دربرخ میان آرزو و امکان گرفتار می‌شود. حتی داده‌های پزشکی قانونی نیز این روایت ساختاری را تأیید می‌کنند. سنجه «سال‌های زندگی ازدست‌رفته بر اثر خودکشی» نشان می‌دهد مردان در ایران تقریباً دو برابر زنان از دست می‌دهند؛ حدود ۱۵.۹۷ سال در هر هزار نفر برای مردان در برابر ۷.۶۵ سال برای زنان. این فاصله، تنها یک اختلاف آماری نیست، بلکه بازتاب مستقیم وزن نابرابر مسئولیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها در جامعه است. نکته مهم اینجاست که اقدام به خودکشی در میان زنان بیشتر از مردان گزارش می‌شود، اما مرگ ناشی از خودکشی در مردان به‌مراتب بالاتر است. مردان معمولاً از روش‌های مرگ‌آوین استفاده می‌کنند و درعین حال، دسترسی آنان به شبکه‌های حمایتی یا کمک‌خواهی رسمی کمتر است یا از نظر فرهنگی کمتر مجاز شمرده می‌شود. بنابراین، آمار مرگ، بیشتر مردانه است؛ اما خود عمل اقدام، جنسیت‌مند است و زنان در آن سهم بیشتری دارند.

ریشه این شکاف، نه تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد، بلکه موقعیت‌های اجتماعی ناممکن در یک اقتصاد فرسوده و ساختار نامتوازن است. مردان، به‌ویژه در طبقات فرودست و مشاغل بی‌ثبات، زیر فشارهای اقتصادی سنگین‌تر، انتظارات نقش‌محور سختگیرانه‌تر و الزامات فرهنگی شدیدتری برای «نان‌آور بودن» قرار دارند؛ فشارهایی که بر سبب تورم، بیکاری، ناامنی اقتصادی و فرسایش امید، به‌سرعت به تنش روانی و احساس ناتوانی در کنترل زندگی تبدیل می‌شود. در مقابل، زنان نیز با تبعیض ساختاری، نابرابری فرصت‌ها و انواع خشونت جنسیتی مواجه‌اند، اما الگوهای حمایتی خانوادگی، نقش‌های اجتماعی متفاوت و نوع فشارهای جنسیتی تجربه‌شده، سبب می‌شود ریسک اقدام به خودکشی در آنها بیشتر، اما ریسک مرگ ناشی از آن کمتر باشد. به همین معنا، شکاف جنسیتی در خودکشی، آیینه تبعیض جنسیتی، خشونت ساختاری و نابرابری فرصت‌ها است؛ نه یک تفاوت فردی یا روان‌شناختی.

این آمارها، هرچند در قالب اعداد سرد بیان می‌شوند، درحقیقت مرثیه‌ای «درباره زندگی‌های مختل، رؤیاهای معطل مانده و امیدهایی است که زیر فشار ساختار اقتصادی فرسوده شده‌اند. از جوانی که نمی‌توانند مستقر شوند و چشم‌انداز شغلی قابل‌اتکایی ندارد تا خانواده‌هایی که هر سال بیشتر زیر بار هزینه‌های اجاره، درمان، آموزش و خوراک خم می‌شوند، فشار اقتصادی برایشان تنها یک عدد نیست؛ ضربه‌آهنکی است که تنفس اجتماعی را به‌کندی می‌کشاند و روان جمعی را فرسوده می‌کند. آنچه افزایش خودکشی در این دو دهه را توضیح می‌دهد، نه ضعف فردی یا بحران شخصی، بلکه انباشت تاریخی بی‌ثباتی، ناامنی و افول توان اجتماعی برای پیش‌بینی و مدیریت آینده است. با این‌همه، آنچه در این دو دهه پدیدار شده، صرفاً بحران اقتصادی نیست، بلکه فرسایش آهسته و مزمن پیوندهای معنابخش زندگی اجتماعی است. داده‌های رسمی شاید نمودارهایی بی‌روح به‌نظر برسند، اما پشت هر جدول تورم، پشت هر سقوط ارزش پول ملی، پشت هر سال رشد منفی اقتصادی، ردی از فرسودگی روانی و شکاف در افاق آینده نهفته است. این روند بلندمدت، همان سازوکاری است که دورکیم آن را «اتومی ساختاری» می‌خواند؛ وضعیتی که در آن قواعد جمعی دیگر قادر به هدایت‌کنش فرد نیستند، آینده از حافظه جمعی حذف می‌شود و فرد در خلأیی میان «بایدایی که جامعه وعده داده» و «می‌شودهایی که ساختار اجازه می‌دهد»

جامعه‌ای است که در آن نمی‌توان سیر زندگی را طراحی کرد؛ جامعه‌ای که در آن تغییرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی چنان بی‌وقفه و بی‌قاعدانه‌اند که فرد پیوسته احساس می‌کند زمین زیر پایش ثابت نیست. وقتی مقررات تغییر می‌کنند، امکان‌ها می‌شود و وعده‌ها عملی نمی‌شوند، اتومی نه یک مفهوم جامعه‌شناختی، بلکه تجربه روزمره زندگی می‌شود. در چنین وضعیتی، افزایش خودکشی تبدیل به شاخصی اجتماعی می‌شود؛ شاخصی که نشان می‌دهد سطح امید اجتماعی چقدر فرسوده شده، اعتماد جمعی تا چه اندازه ریزش کرده و تا چه حد فاصله میان آرزو و امکان به شکافی ساختاری تبدیل شده است. به‌عبارت دیگر، خودکشی در ایران امروز زبان خاموش اتومی است؛ زبان جامعه‌ای که پل آینده‌اش نیمه‌تمام مانده و هر قدمی بر آن با لرزشی از نااطمینانی همراه است.

درنهایت، آنچه از دل همه داده‌ها، روایت‌ها و شاخص‌ها برمی‌آید این است که زیربنای بحران خودکشی در ایران بیش از هر چیز اقتصادی است؛ اقتصادی که طی دو دهه فرسایش مداوم، نه تنها توان معیشتی خانوارها را تحلیل برده، بلکه ستون‌های روانی و اجتماعی جامعه را نیز سست کرده است. تورم‌های جهشی، سقوط قدرت خرید، قفل‌شدن بازار کار، فروپاشی افق مالکیت مسکن، نوسان ارز و کاهش مستمر درآمد واقعی، مجموعه‌ای ساخته‌اند که در آن زندگی روزمره نه بر ثبات، بلکه بر اضطراب بنا شده است.

همان‌طورکه ریچارد سنت در تحلیل «بی‌ثباتی نوین» و فرسایش کارکنر بیان می‌کند، انسان در شرایطی که قواعد اقتصادی و اجتماعی مدام تغییر می‌کنند، دچار نوعی فرسایش هویتی می‌شود؛ فرسایشی که نه از کمبود انگیزه فردی، بلکه از ناتوانی ساختار در فراهم‌کردن حداقلی از تداوم و قابل پیش‌بینی بودن ناشی می‌شود. وقتی زندگی مثل شغلی باشد که هر لحظه ممکن است حذف شود یا مانند قراردادی که هیچ امنیت ندارد، فرد توان طراحی مسیر زندگی و ساختن «خود آینده» را از دست می‌دهد. این وضعیت، «بی‌ثباتی مزمن» را به تجربه‌ای روزمره تبدیل می‌کند و انسان را در چرخه‌ای از اضطراب، ناتوانی و فرسودگی روانی فرو می‌برد. در چنین قاب نظری‌ای، خودکشی دیگر صرفاً نتیجه یک بحران فردی یا روان‌شناختی نیست؛ بلکه بازتاب مستقیم ساختارهای اقتصادی و اجتماعی است که فرد را در تله بی‌ثباتی گرفتار می‌کنند و امکان یک زندگی پیوسته و قابل‌پیش‌بینی را از او سلب می‌کنند.

در این میان، مفهوم «امید» که مدام در گفتار رسمی و رسانه‌ای تکرار می‌شود، خود بدل به مسئله‌ای چندپهلوی و حتی خطرناک شده است. امیدی که به‌جای آنکه راهی برای بازسازی مسیرهای واقعی زیست اجتماعی باشد، اغلب همچون سربالی نمادین عمل می‌کند؛ وعده‌ای بدون پشتوانه، خوشنویایی دور که مردم را به پیشروی بر پلی نیمه‌تمام فرامی‌خواند، اما در عمل نه امنیت می‌آورد و نه امکان. این امید مهیم، بیش از آنکه نیرویی رهایی‌بخش باشد، بار روانی جدیدی می‌سازد؛ زیرا فرد هر روز شکاف میان وعده‌های شنبه‌شده و واقعیت زیسته‌اش را با تمام وجود لمس می‌کند. در چنین شکافی است که تناقض امید شکل می‌گیرد، امیدی که وجود دارد، اما کار نمی‌کند؛ امیدی که تکرار می‌شود، اما بازسازی نمی‌شود؛ امیدی که ناشی زنده است، اما کارکردش فرسوده شده است.

وقتی این تناقض در دل یک اقتصاد فرسوده و بی‌ثبات جای می‌گیرد، دقیقاً همان الگویی پدید می‌آید که دورکیم آن را «خودکشی اتومیک» نامید، وضعیتی که در آن فرد نه از سر خوشنویایی منزوی می‌شود، نه از سر فداکاری افراطی خود را حذف می‌کند، نه الزام زندگی را بر او تنگ کرده است؛ بلکه فروپاشی قواعد و ناپایداری آینده، او را در میانه راه زندگی بی‌نقشه رها می‌کند. این جاست که وعده‌ها بی‌اثر می‌شوند، افق‌ها محو می‌شوند و امید به چیزی شبیه سایه‌ای بی‌جان بدل می‌شود.

pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/37383956

افزایش خودکشی

در ایران نه پدیده‌ای

منفک از ساختار

اقتصادی-اجتماعی

بلکه هم‌نوا با فرسایش

تدریجی بنیان‌های

معیشتی و روانی

جامعه است

اگر جامعه ایران امروز را در چارچوب نظریه دورکیم بررسی کنیم، تناقض امید درواقع تنش میان دو نیروی پیونددهنده اجتماعی سست می‌شوند یا قواعد و هنجارها ساختن آینده‌ای بهتر و از سوی دیگر بی‌ثباتی ساختاری، فشارهای اقتصادی، محدودیت فرصت‌ها و ناامنی میان‌آرزوهای فردی و امکانات اجتماعی. اینجا است که افزایش خودکشی، نه فقط به‌عنوان یک زنج شخصی، بلکه به‌عنوان «نمایشگر وضعیت اجتماعی» اهمیت پیدا می‌کند و نشان می‌دهد جامعه در برزخ بی‌ثباتی و

نوبت دوم
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت
ملک محلات
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت
ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون
تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد
سند رسمی

۱- برابری رای شماره ۰۵۰۰۲۳۸۹/۲۰۰۵۰۰۴۶۲۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلاعراض متقاضی ناصر رستمی فرزند محمد شماره شناسنامه ۸ صادره محلات به کد ملی ۰۵۶۹۸۹۶۹۰۸ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعه به مساحت ۲۴۶۲ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۴۱۴۱ اصلی واقع در باقرآباد که مساحت ششدانگ آن برابر ۲۴۶۲ متر مربع میباشد (سند قطعی از محمد رستمی) واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

علی صالحی
رئیس ثبت اسناد و املاک محلات
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲
شناسه آگهی: ۲۰۴۶۷۷۲

آب را هدر ندهیم

وزارت راه و شهرسازی
سازمان بنادر و دریانوردی
اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان

((آگهی مناقصه عمومی یکمرحله‌ای))

شماره: ۱۵/عمران/۱۴۰۴

موضوع مناقصه: پیمانسازی مصرف انرژی مجتمع بندری شهید رجایی
مهلت و نحوه دریافت اسناد:
متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ ساعت ۱۴:۰۰ تا ۱۴:۰۰ با مراجعه به سایت www.setadiran.ir نسبت به دریافت (خرید) رایگان اسناد اقدام نمایند.
ضمناً دریافت آگهی از سایت‌های www.shahidrajaeaport.pmo.ir و www.lets.mporg.ir نیز امکان‌پذیر و رایگان می‌باشد.

مهلت و محل تسلیم پاکت و بارگذاری اسناد:
متقاضیان باید پیشنهادات خود را تا ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری نمایند.
تصوه ۱: متقاضیان مکلفند علاوه بر بارگذاری اسناد خود در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir اسناد خود در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری نمایند.
تصوه ۲: کلیه مراحل برگزاری از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و گشایش پاکت الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند بدیهی است در صورت عدم انجام فرایند در سامانه مذکور پیشنهاد ارائه شده به صورت فیزیکی مورد قبول واقع نمی‌گردد.
ضمیمه شرکت در مناقصه: مناقصه گران می‌بایست ضمانتنامه بانکی بدون قید و شرط و قابل تمدید به دفعات یا اصل فیش واریز وجه به حساب شماره ۴۱۰۱۶۴۵۷۱۲۱۴۵۳ بانکی نتخواه گردان پرداخت بندر شهید رجایی نزد بانک مرکزی به مبلغ ۲۰۵۰۷۶۰۰۰۰/۶۶۵۷۶۰۰۰ (شصت و شش میلیارد و پانصد و هفتاد و شش میلیون و دویست و پنج هزار و هفتاد و شش) ریال ارائه نمایند.
شماره اقتصادی کارفرما: ۴۱۱۳-۱۹۵۷-۲۹۸۶
شناسه ملی: ۱۴۰۰۱۸۰۶۱۴
شماره شبیه: ۹۲۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۶۴۵۷۱۲۱۴۵۳ IR
آدرس دستگاه کارفرما: بندرعباس - مجتمع بندری شهید رجایی - اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان - واحد مهندسی و عمران - اداره پیمان و رسیدگی و مدیریت پروژه - تلفن: ۰۷۶۳۲۱۲۳۶۲۸
برآورد اولیه مناقصه: ۸۰۸۰۰۰۰۰/۲۳۳۸۰۰۰۰ (۲۳۳ هزار و چهارصد و هفتاد و سه میلیارد و هشتصد و پنجاه و سه هزار و هشتصد و هشت) ریال
مدت اجرای کار: ۱۲ ماه
شرایط اختصاصی:
۱- دارا بودن گواهی رتبه بندی حداقل پایه ۳ تأسیسات و تجهیزات با رتبه ۴ نیرو
۲- اعلام وجود ظرفیت کاری آزاد براساس تعداد کارهای در دست انجام و ظرفیت مجاز براساس سایت gtppt/sajar.mporg.ir تکمیل فرم خود اظهاری شرکت
۳- کسب حداقل ۶۰ امتیاز ارزیابی کیفی طبق معیارهای ارزیابی کیفی
زمان و محل بازگشایی پیشنهادات:
روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ ساعت ۹:۰۰ مجتمع بندری شهید رجایی - سالن مناقصات (سالن کنفرانس مهندسی و عمران)
تصوه: دریافت اسناد، مراحل ثبت نام و بارگذاری کلیه اسناد و مدارک می‌بایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام پذیرد.
اسناد باید با کیفیت بالا و خوانا (dpi ۳۰۰ یا ۴۰۰) اسکن و بارگذاری گردد. در صورت ناخوانا بودن، به اسناد مذکور ترتیب اثر داده نخواهد شد.

اداره ارتباطات و اطلاع رسانی بنادر و دریانوردی استان هرمزگان

نوبت دوم
شهرداری رفسنجان

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری رفسنجان در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب شماره ۱۶۶۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ شورای محترم اسلامی شهر، نسبت به جمع‌آوری و عقیم‌سازی سگ‌های دوره‌گرد و بلاصاحب سطح شهر از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت‌های واجد صلاحیت که توانایی لازم جهت شرکت در مناقصه را دارند، دعوت بعمل می‌آید نسبت به دریافت اسناد و اطلاع از شرایط شرکت در مناقصه به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند.

تاریخ آگهی: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

آخرین مهلت ارائه پیشنهادات از طریق سامانه مذکور تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۹

(لازم به ذکر است شهرداری رفسنجان در رد یا قبول تمام یا هریک از پیشنهادات مختار است.)

مهلت تحویل ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه ۲ روز قبل از بازگشایی پاکت

تلفن تماس ۰۳۴- ۳۴۲۵۸۸۰۱

اداره ارتباطات و اموربین الملل شهرداری رفسنجان

